



سیمای سوره جائیه

این سوره در مکه نازل شده و سی و هفت آیه دارد. نام این سوره به مناسبت آیه ۲۸ آن انتخاب گردیده و جائیه به حالت کسی گویند که به زانو در آمده باشد. در اولین آیه و آخرین آیه این سوره، خداوند با دو صفت عزیز و حکیم توصیف شده است. اغلب مطالب این سوره درباره‌ی عظمت قرآن، دلایل توحید، پاسخ به مادیون، سرگذشت بعضی از اقوام پیشین، هشدار به گمراهان، دعوت به عفو و گذشت و اشاراتی نسبت به صحنه‌های قیامت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ حَمَّ ﴿ ۲ ﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

ح، میم. نزول کتاب از طرف خداوند عزت مند حکیم است.

﴿ ۳ ﴾ إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

همانا در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی است.

نکته ها:

- خداوند، حکیم است، ﴿الحکیم﴾ کتابش نیز حکیم است، ﴿یس و القرآن الحکیم﴾^(۱)
- پیامبرش نیز معلّم حکمت است. ﴿یعلّمهم الكتاب والحکمة﴾^(۲)
- کتاب خدا و آفرینش او در پیش چشم همه است، لیکن از کتابش تنها متّقین بهره می گیرند ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۳) و از آفرینش تنها مؤمنان به یاد خدا می افتند. ﴿لآیات للمؤمنین﴾

پیام ها:

- ۱- قرآن، از همین حروف الفبا که در اختیار همه است تألیف یافته و به تدریج نازل شده است. ﴿حم، تنزیل الكتاب﴾
- ۲- فرستادن کتاب و قانون از بزرگ ترین نعمت های الهی است. لذا قبل از نعمت آسمان ها و زمین نام آن آمده است. ﴿تنزیل الكتاب﴾

۳. بقره، ۲.

۲. بقره، ۱۲۹.

۱. یس، ۱ - ۲.

- ۳- در شیوهی تبلیغ باید اول جایگاه قرآن روشن شود، سپس از تذکرات و دستورات آن پیروی شود. ﴿تنزیل... العزیز الحکیم﴾
- ۴- قرآن هم اصالت دارد، ﴿من الله﴾ هم مصونیت. ﴿العزیز﴾
- ۵ - نظام تشریح و تکوین از یک مبدأ هستند و با یکدیگر هماهنگ‌اند. ﴿تنزیل الكتاب... انّ فی السموات...﴾
- ۶- مطالعه در طبیعت برای خدانشناسی، مورد تشویق قرآن است. ﴿انّ فی السموات و الارض لآیات للمؤمنین﴾
- ۷- نه فقط آیات قرآن، بلکه صفحات کتاب طبیعت، برای مؤمنان آیه و نشانه است. ﴿السموات و الارض لآیات للمؤمنین﴾

﴿۴﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

و در آفرینش شما و آنچه از جنبه‌ها که (در هستی) پراکنده نموده، برای اهل یقین، نشانه‌هایی (از قدرت الهی) است.

﴿۵﴾ وَأَخْتَلَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و شب و روز که در پی یکدیگرند و آنچه از روزی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و زمین را به واسطه‌ی آن بعد از پژمردگی‌اش سبز و زنده نموده است و گردش بادهای، برای کسانی که تعقل کنند نشانه‌هایی (از قدرت الهی) است.

نکته‌ها:

□ آیات ۳ تا ۵ که نشانه‌های آفرینش را مطرح می‌کند، در پایان هر کدام از آیات، یک دسته مورد خطاب قرار گرفته‌اند؛ یک بار اهل ایمان، یک بار اهل یقین و بار دیگر اهل تعقل، شاید بدان جهت که راه ایمان از راه عقل جدا نیست و هردو انسان را به یقین می‌رساند.

البته در آفرینش انسان و جنبندگان مسئله دقیق‌تر و گسترده‌تر است و دقت و تأمل در آن سبب یقین می‌شود.

□ تنظیم گردش زمین و پی در پی آمدن شب و روز یکی دیگر از نشانه‌های قدرت و حکمت الهی است، اگر این گردش نبود یا کند و یا تند بود زندگی فلج می‌شد، لذا زمانی اهمیت این نعمت‌ها روشن‌تر می‌شود که از انسان گرفته شود.

□ باد و باران و شب و روز، نقش مهمی در حیات موجودات زمینی دارند که در یک آیه در کنار هم مطرح شده‌اند.

□ آفرینش یک مسئله است و اداره کردن و روزی دادن مسئله دیگر، روزی هر آفریده‌ای از ابتدای آفرینش تنظیم شده است.

□ خداوند، کتاب را برای زنده شدن دل‌ها و باران را برای زنده شدن گل‌ها نازل کرده است.

□ مراد از اختلاف شب و روز یا پیدا شدن یکی خلف دیگری است و یا تفاوت ساعات شب و روز است که گاهی روز بلند و شب کوتاه و گاهی بر عکس است.

□ در باد سه نعمت مهم وجود دارد: جا به جا کردن ابرها، تلقیح گیاهان و تصفیه‌ی هوا.

□ در تمام قرآن، هرگاه سخن از آفرینش شب و روز است، نام شب مقدم است. ﴿اللیل والنهار﴾

پیام‌ها:

- ۱- همه هستی کتاب شناخت خداوند است. آسمان، انسان و جانوران، همه ما را به یک هدف می‌رساند. ﴿و فی خلقکم و ما یبئ من دابّة﴾
- ۲- یکی از نعمت‌های الهی پراکنده بودن جنبنده‌هاست که در غیر این صورت زندگی انسان فلج می‌شد. ﴿بئس من دابّة﴾
- ۳- آفرینش آسمان‌ها و زمین یک طرف، آفرینش تمام جنبنده‌ها یک طرف و آفرینش انسان نیز یک طرف. ﴿خلقکم و ما یبئ﴾ (نام انسان قبل از سایر جنبنده‌ها و به صورت جداگانه برده شده که نشانه اهمیت است)
- ۴- مطالعه در نظام هستی راه رسیدن به یقین است. ﴿لقوم یوقنون﴾

- ۵- آسمان، منشأ رزق بشر است. ﴿من السماء من رزق﴾
 ۶- زمین، مرگ و حیات دارد و همواره (با پائیز و بهار) تکرار می‌شود. ﴿فاحیا به الارض بعد موتها﴾
 ۷- حرکت بادها، امری تصادفی نیست، بلکه بر اساس برنامه الهی است. ﴿تصریف الریاح﴾
 ۸- کتاب هستی، پر است از آیات گوناگون، که درک آن نیاز به تفکر و اندیشه دارد. ﴿آیات لقوم یعقلون﴾

﴿۶﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ

این‌ها آیات الهی است که ما آنها را به حق بر تو تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات او به چه سخنی ایمان می‌آورند.

پیام‌ها:

- ۱- اسباب شناخت را در برابر مردم قرار دهیم تا حجت بر آنان کامل شود. ﴿تلك آیات الله﴾
- ۲- قرآن، با همین الفاظ بر پیامبر نازل شده است. ﴿نتلوهها عليك﴾
- ۳- کسی که بناست مردم را بسازد باید ابتدا خودش ساخته شود. ﴿نتلوهها عليك﴾
- ۴- آیات الهی بر اساس حق است، سخن سست، خرافه و مبالغه و خیال و... در آن راه ندارد. ﴿بالحق﴾
- ۵- اختیار انسان باعث می‌شود که با وجود راه الهی، راه دیگری برود. ﴿فبایّ حدیث... یؤمنون﴾
- ۶- انحراف انسان بعد از آن همه آیات و تلاوت‌های بر حق قابل تعجب و توبیخ است. ﴿فبای حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون﴾
- ۷- آنان که آیات الهی را می‌شنوند ولی هدایت نمی‌شوند، مشکلی در درون

دارند، نه آنکه آیات خداوند، باطل یا مبهم باشد. ﴿تتلوها عليك بالحق... فبأى
حدیث... یؤمنون﴾

﴿۷﴾ وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

وای بر هر کافر دروغ پرداز گناه پیشه.

﴿۸﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

(کافر گناهکاری که) آیات خدا را که پیوسته بر او تلاوت می‌شود،
می‌شنود ولی همچون کسی که آنها را نشنیده متکبران (بر انحراف خود)
اصرار می‌ورزد، پس او را به عذابی سخت بشارت ده.

﴿۹﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و هرگاه از آیات ما چیزی فهمد آن را به مسخره می‌گیرد، آنانند که
برایشان عذاب خفت‌باری است.

نکته‌ها:

□ «أفَّاك» از «إفك» به معنای کسی است که بسیار دروغ می‌گوید. «أثیم» از «إثم» به کسی
گفته می‌شود که بسیار گناهکار است.

□ «ویل» که نفرینی است به معنای «هلاک باد»، ۲۷ بار در قرآن آمده است.

این واژه در موارد مختلف و متعددی در قرآن بکار رفته است؛

هم در مورد خائنان فرهنگی بکار رفته است، آنان که با دست خود مطالبی می‌نویسند و به
خداوند نسبت می‌دهند، ﴿فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهیم ثم یقولون هذا من عند

الله﴾^(۱)

هم در مورد ظالمان اقتصادی همچون کم فروشان، ﴿ویل للمطفّین﴾^(۱)
 هم در مورد منحرفان اعتقادی مثل کافران، ﴿ویل للكافرين﴾^(۲) و مشرکان. ﴿ویل
 للمشركين﴾^(۳)

و هم در مورد کسانی که اولیای الهی و حقایق را مسخره می کنند. ﴿ویل لكل هُمزة لمزة﴾^(۴)
 □ کیفر الهی با جرم مناسب است، کیفر کسی که سخن پیامبر را می شنود ولی گویا نشنیده و
 با این عمل دل پیامبر را به درد می آورد عذاب الیم است و کیفر کسی که با مسخره توهین
 می کند، عذاب مهین است.

□ واژه بشارت در مورد خبر خوش به کار می رود، اما خداوند در این آیات، وعده‌ی عذاب را
 برای کافران، بشارت خوانده است. گویا بهترین خبر برای معاندان، خبر عذاب است.

پیام‌ها:

- ۱- سخن حق را باید به گوش همه رساند حتی گنهکاران. ﴿افاك ائيم... تتلی علیه﴾
- ۲- اول تبلیغ، بعد تهدید. قرآن به کسی «هلاک باد» می گوید که اول آیات خود را
 به گوش او رسانده است. ﴿یسمع آیات الله... کان لم یسمعها... عذاب الیم﴾
- ۳- بدتر از بی اعتنایی به حق، اصرار بر آن و روحیه استکبار است. ﴿یصرّ مستکبراً﴾
- ۴- علامت تکبر، بی اعتنایی به سخن حق است. ﴿مستکبراً کان لم یسمعها﴾
- ۵- ریشه‌ی عیب جویی و تمسخر در بسیاری از موارد، نداشتن اطلاعات جامع
 و کافی است. ﴿فاذا علم من آیاتنا شیئاً اتّخذها هزواً﴾ آری، اگر شناخت‌ها عمیق و
 گسترده شد، مسخره‌ها محو می شود.
- ۶- چون در مسخره اهانت است، کیفر مسخره کنندگان نیز عذاب خوار کننده
 است. ﴿هزواً... عذاب مهین﴾

۳. فصلت، ۶.

۲. ابراهیم، ۲.

۱. مطفّین، ۱.

۴. هُمزه، ۱.

﴿ ۱۰ ﴾ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئاً وَلَا مَا اتَّخَذُوا

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

جهنم پیش روی آنان است و آنچه را به دست آورده‌اند و آنچه را از غیر خدا، اولیای خود گرفته‌اند، ذرّه‌ای آنان را بی‌نیاز نمی‌کند و برای آنان عذاب بزرگی است.

نکته‌ها:

□ «وراء» هم به معنای پشت سر است و هم به معنای پیش رو. در این آیه «وراء» به معنای پیش رو است، چنانکه در سوره کهف آیه ۷۹ می‌خوانیم: ﴿وكان وراءهم ملك ياخذ كل سفينة غصبا﴾ خضر به موسی گفت: من کشتی را سوراخ کردم زیرا پیش روی آنان پادشاه ستمگری است که کشتی‌های سالم را به زور مصادره می‌کند و من کشتی را سوراخ کردم تا معیوب شده و مصادره نکنند.

در سوره مؤمنون آیه ۱۰۰ نیز می‌خوانیم: همین که مرگ به سراغشان بیاید، گویند: پروردگارا ما را برگردان تا عمل صالحی انجام دهیم. پاسخ می‌شنوند هرگز. سپس می‌فرماید: ﴿من وراءهم برزخ﴾ این افراد بعد از مرگ برزخ را در پیش روی خود دارند تا زمان قیامت که مبعوث شوند. در اینجا نیز کلمه «وراء» به معنای پیش‌رو است.

□ در این آیه و آیات قبل انواع عذاب‌ها مطرح شده است:

﴿عذاب الیم﴾، ﴿عذاب مهین﴾ و ﴿عذاب عظیم﴾

پیام‌ها:

- ۱- مشرکان در قیامت تنها و بی‌پناهند. ﴿لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئاً﴾
- ۲- تکیه‌گاه مستکبران یا داشته‌های آنان است یا دوستانشان که هیچ یک در قیامت کارائی ندارند. ﴿لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئاً و لا ما اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ﴾
- ۳- قرآن، خواری و خفت مسخره‌کنندگان و حرمت شکنان را در دنیا پیشگویی می‌کند. ﴿اتَّخَذُوا هُزُوراً لَهُمْ عَذَابَ مَهِينٍ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ﴾ (از اینکه عذاب مهین در

- کنار جهنم آمده ظاهراً مراد خفت و خواری در دنیا است.)
- ۴- اسباب و اموال دنیوی، در قیامت کارائی ندارد. ﴿لَا يَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا﴾
- ۵- توجه به دوزخ می تواند بهترین عامل باز دارنده از تکبر و اصرار بر گناه باشد.
- ﴿أَئِمَّ - بصیر... لهم عذاب عظیم﴾

﴿۱۱﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ

این (قرآن) مایه‌ی هدایت است و کسانی که به آیات پروردگارشان کفر ورزیدند برایشان عذابی دردناک از هول و اضطراب است.

نکته‌ها:

- «رجز» به معنای رجس و آلودگی است، یعنی کفار به وسیله موادی آلوده و نفرت‌انگیز عذاب می‌شوند.

پیام‌ها:

- ۱- قرآن، یکپارچه هدایت است: فرامین و نواهی آن، داستان‌ها و تشبیهات آن.
- ﴿هذا هدی﴾
- ۲- عذاب الهی بعد از اتمام حجّت است. ﴿هذا هدی والذین کفروا...﴾

﴿۱۲﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

خداوند کسی است که دریا را برای شما رام کرد تا به فرمان او کشتی‌ها در آن جریان پیدا کنند و تا از فضل او جستجو کنید و شاید شکرگزاری کنید.

پیام‌ها:

- ۱- کارهای خداوند هدفدار، حکیمانه و در راستای بهره‌گیری انسان است. ﴿سَخَّرَ لَكُمْ، لتجری البحر لتبتغوا - لعلکم تشکرون﴾

- ۲- منافع مادی باید مقدمه رابطه الهی باشد. ﴿لتجری... لتبتغوا... لعلکم تشکرون﴾
- ۳- تسخیر دریاها و تأثیر عوامل طبیعی تحت اراده خداست. ﴿بامرہ﴾
- ۴- تلاش برای معیشت زندگی و رفاه یک ارزش است. ﴿لتبتغوا﴾
- ۵- گرچه فضل و رحمت از خداوند است، ولی انسان نیز باید برای بدست آوردن آن در تکاپو و تلاش باشد. ﴿لتبتغوا من فضله﴾
- ۶- انسان از خداوند طلبی ندارد هر چه هست لطف اوست. ﴿من فضله﴾
- ۷- توجه به نعمت‌ها، روحیه‌ی شکر را در انسان زنده می‌کند. ﴿سخّر لکم... لعلکم تشکرون﴾
- ۸- اقیانوس‌ها برای انسان رام هستند، شاید انسان هم برای خدا رام شود. ﴿لعلکم تشکرون﴾
- ۹- انسان، آزاد و صاحب اختیار است. ﴿لعلکم تشکرون﴾ (کلمه‌ی «علّ» به معنای شاید، نشانه تردید خداوند نیست، بلکه نشانه اختیار انسان است که می‌تواند شاکر باشد و یا ناسپاس)

﴿۱۳﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه از اوست که برای شما رام نمود، همانا در این تسخیر برای کسانی که فکر کنند، قطعاً نشانه‌هایی است.

پیام‌ها:

- ۱- تمام هستی در راستای بهره‌گیری انسان است. ﴿سخّر لکم ما فی السموات...﴾
- ۲- با حاکم شدن بر هستی، مغرور نشویم که هرچه هست از اوست. ﴿جمیعاً منه﴾
- ۳- هماهنگی اجزای هستی در جهت واحد، نشانه‌ی یکتایی آفریدگار است. ﴿جمیعاً منه﴾
- ۴- فکر کردن در نعمت‌های الهی نوعی تشکر از اوست. ﴿تشکرون... لقوم یتفکرون﴾

- ۵- خداوند انسان را به تفکر دعوت و تشویق کرده است. ﴿لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾
- ۶- در تسخیر هستی برای انسان، نشانه‌های زیادی برای اهل فکر وجود دارد. ﴿لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (شاید رابطه تفکر و تسخیر این باشد که در انسان قدرتی نهفته که می‌تواند تمام مظاهر طبیعت را به نفع خود تصرف کند و این قدرت با اندیشه بکار می‌افتد).
- ۷- هم احساس را شکوفا کنید و هم اندیشه را رشد دهید. ﴿تَشْكُرُونَ - يَتَفَكَّرُونَ﴾

﴿۱۴﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

(ای پیامبر!) به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: از کسانی که به (روز رستاخیز که یکی از ایام الله است) امید ندارند، درگذرند (و آنان را به خدا واگذارند) تا خداوند (در آن روز) هر قومی را به آنچه انجام می‌دادند جزا دهد.

نکته‌ها:

- مراد از ایام الله روزهای تاریخی است که در آن تحولات بزرگی از قهر خداوند نسبت به ستمگران یا مهر الهی نسبت به مؤمنان صورت می‌گیرد.
- مسلمانان مکه گرفتار دشمنی و آزار مشرکان مکه بودند، به فکر مقابله به مثل افتادند اما خداوند پیامبرش را فرمان داد که به مسلمانان بگوید عجله نکنید که هنوز شما قوی نیستید و آنان را به من واگذار کنید.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اکرم ﷺ مأمور است تا شیوه برخورد با کفار را به مؤمنان آموزش دهد. ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا...﴾
- ۲- لازمه‌ی ایمان، گذشت و بزرگواری است. ﴿لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا﴾
- ۳- رسیدن به اهداف بلند دینی، نیاز به صبر و پرهیز از شتابزدگی دارد. ﴿لِلَّذِينَ

آمنوا یغفروا ﴿

۴- ایمان به آنکه کفار گرفتار کیفر الهی هستند، زمینه گذشت و صبر را در انسان شکوفا می‌کند. ﴿یغفروا... لیجزی قوماً...﴾

۵- عقیده در عمل مؤثر است، چون کفار امیدی به قیامت ندارند به سراغ کسب کارهای بد می‌روند. ﴿لا یرجون... یکسبون﴾

۶- انسان گرفتار عمل خویش است. ﴿لیجزی... بما کانوا یکسبون﴾

۷- کیفر برای کارهای زشتی است که انسان آگاهانه به سراغ آن می‌رود. ﴿بما کانوا یکسبون﴾

۸- آنچه سبب قهر الهی است، استمرار و اصرار بر انحراف و خلاف است. ﴿کانوا یکسبون﴾

﴿ ۱۵ ﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ

تُرْجَعُونَ

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست و هر کس عمل بدی مرتکب شود، پس به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان بازگشت داده می‌شوید.

نکته‌ها:

□ قرآن بارها با بیانات گوناگون به این اصل اشاره فرموده است که نتیجه عمل به خود انسان بر می‌گردد، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^(۱) هر کس شکر کند، پس برای خویش شکر کرده و هر کس کفران ورزد به زیان خویش است.

﴿مَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾^(۲) هر کس هدایت پذیرفت، به نفع خود

۱. لقمان، ۱۲.

۲. زمر، ۴۱.

اوست و هر کس گمراه شد، به ضرر خود اوست.

پیام‌ها:

- ۱- نظام کیفر و پاداش الهی عادلانه و بر اساس عملکرد نیک و بد خود انسان است. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... وَمَنْ آسَاءَ﴾
- ۲- خداوند، به کار خیر انسان نیازی ندارد. ﴿عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ﴾
- ۳- انسان‌ها در برابر قانون الهی مساوی هستند. (انسان، هر که باشد و عمل، هر چه باشد، مورد کیفر و پاداش قرار می‌گیرد.) ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... وَمَنْ آسَاءَ فَعَلَيْهَا﴾
- ۴- خدا انسان را آزاد آفریده است. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... مَنِ آسَاءَ﴾
- ۵- دلیل معاد، عدل الهی است. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... مَنِ آسَاءَ... إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجِعُونَ﴾
- ۶- معاد، امیدی به صالحان و هشدار به خلافکاران است. ﴿إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجِعُونَ﴾
- ۷- قیامت قهری است و به اختیار انسان نیست. ﴿تُرجِعُونَ﴾
- ۸- پاداش و کیفر الهی، اقتضای ربوبیت اوست. ﴿إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجِعُونَ﴾

﴿۱۶﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ

مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب (آسمانی تورات) و حکومت و نبوت دادیم و از (خوردنی‌های) پاکیزه و دلپسند روزی کردیم و آنان را بر اهل زمانه برتری دادیم.

نکته‌ها:

- از آنجا که «رزقناهم» بعد از «آتینا» آمده است می‌فهمیم که رزق دلپسند در کنار قانون و رهبر و حکومت الهی معنا دارد وگرنه درآمدهای خارج از قانون الهی گرچه زیاد باشد طیب نخواهد بود.
- بنی اسرائیل نتوانستند الطاف الهی را که در این آیه از آنها سخن رفته، برای خود حفظ کنند

و لذا عظمت و عزّت آنها به خاطر نافرمانی و خلافکاری به ذلّت و لعنت تبدیل شد. ﴿لعن
الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- برتری جامعه، وابسته به فرهنگ و اقتصاد برگرفته از قانون الهی است. ﴿آتینا...
الكتاب... رزقنا... فضلنا﴾
- ۲- هر چه داریم از خداست، پس نباید مغرور شویم. ﴿آتینا... رزقنا... فضلنا﴾
- ۳- نعمت‌های معنوی در اولویت قرار دارند. در این آیه کتاب، حکم و نبوت قبل
از رزق و روزی مطرح شده است. ﴿آتینا... رزقنا﴾
- ۴- حکومت دینی سابقه طولانی دارد. ﴿الكتاب والحکم والنبوة﴾
- ۵- فرهنگی کامل است که قانونش الهی، رهبرش معصوم و قضاوت و حکومتش
عادلانه باشد. ﴿الكتاب والحکم والنبوة﴾

﴿ ۱۷ ﴾ وَ آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ
الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و به آنان دلایل روشنی نسبت به امر (دین) دادیم، پس اختلاف نکردند مگر پس از
آنکه حقیقت برایشان حاصل شد (و این اختلاف) از روی حسادت و برتری‌جویی
بود که میان آنان وجود داشت. همانا خداوند در قیامت درباره آنچه پیوسته
اختلاف می‌کنند، میانشان داوری خواهد کرد.

نکته‌ها:

□ با معجزات حضرت موسی، حقانیتش بر مردم روشن شد و با نشانه‌هایی از پیامبر اسلام که
در تورات و انجیل به طور روشن آمده بود، حقانیت پیامبر برای مردم روشن شد. ﴿آتیناهم

بیتات من الامر ﴿﴾

پیام‌ها:

- ۱- خداوند حجّت را بر مردم تمام می‌کند. ﴿و آتیناهم بیّات من الامر﴾
- ۲- بالاترین نوع کفران، اختلاف در حقّ است. با اینکه خدا به آنها برتری و غلبه بر دشمن داد، ﴿آتینا - رزقنا - فضلنا﴾ اما به جای شکر اختلاف کردند. ﴿فما اختلفوا﴾
- ۳- توبیخ قرآن از گذشتگان، عبرتی است برای آیندگان. ﴿آتیناهم بیّات... اختلفوا... بغيّاً بینهم﴾
- ۴- علم به تنهایی نجات بخش نیست، چه بسیارند کسانی که می‌دانند ولی به خاطر حسادت اختلاف می‌کنند. ﴿من بعد ما جاءهم العلم﴾
- ۵- اختلاف بعد از علم، بغي و ظلم است. ﴿بغياً﴾
- ۶- روز قیامت روز حل اختلافات است. ﴿يقضى بينهم يوم القيامة فيما كانوا فيه يختلفون﴾

﴿۱۸﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

سپس تو را بر شریعتی از امر (دین) قرار دادیم، پس آن را پیروی کن و از خواسته‌های جاهلان پیروی نکن.

نکته‌ها:

- «شریعت» راهی است برای وصول به آب، در کنار رودخانه‌های بزرگ که دسترسی مستقیم به آب ممکن نیست. از آنجا که احکام دین راهی است برای رسیدن به حیات واقعی، به آن نیز شریعت گفته شده است.

پیام‌ها:

- ۱- تعیین شریعت که راه دینداری است، به دست خداست. ﴿جعلناک علی شریعة﴾
- ۲- کسی که مسئول هدایت و ارشاد دیگران است، باید نسبت به راه خود بصیرت و تسلط کامل داشته باشد. ﴿علی شریعة﴾ (یعنی پیامبر تسلط بر راه و شریعت دارد.)
- ۳- رسالت پیامبر اسلام ﷺ در ادامه‌ی رسالت حضرت موسی است. (در دو آیه قبل، سخن از نبوت و حکمت و کتاب آسمانی بنی اسرائیل بود.) ﴿ثم جعلناک﴾
- ۴- روح ادیان یکی است، گرچه در برنامه‌های عبادی تفاوت‌هایی هست. (کلمه‌ی «شریعة» به صورت نکره آمده که نشانه وجود راههای متعدّد است ولی کلمه‌ی «الامر» معرفه آمده یعنی تمام راهها به امری یگانه باز می‌گردد.) ﴿شریعة من الامر﴾
- ۵- پیدایش تحریف و اختلاف، زمینه‌ی آمدن پیامبر جدید است. (آیه‌ی قبل سخن از اختلافات بنی اسرائیل بود، در این آیه سخن از بعثت پیامبر اسلام) ﴿اختلفوا... ثم جعلناک علی شریعة﴾
- ۶- پیامبر نیز باید همچون سایر مردم از شریعت پیروی کند. ﴿علی شریعة فاتبعها﴾
- ۷- راه، اگر راه خدا نباشد، راه هوس‌های خود یا دیگران است. ﴿شریعة... فاتبعها ولا تتبع اهواء...﴾
- ۸- رهبر باید با صلابت باشد و تحت فشار عناصر ناآگاه و پیشنهادات جاهلانه قرار نگیرد. ﴿ولا تتبع اهواء الذین لا یعلمون﴾
- ۹- هوس‌های مردم به قدری جلوه دارد که پیامبر را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد. ﴿ولا تتبع اهواء الذین لا یعلمون﴾
- ۱۰- علم و جهل در تمایلات انسان اثر دارد. ﴿اهواء الذین لا یعلمون﴾
- ۱۱- علم و دانش، انسان را به پیروی از شریعت الهی سوق می‌دهد. چنانکه پیروی از غرائز و هوی و هوس نشانه جهالت و نادانی است. ﴿شریعة... فاتبعها ولا تتبع... الذین لا یعلمون﴾

﴿۱۹﴾ اِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَاِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ

بَعْضِ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

آنان هرگز در برابر خداوند از تو دفاع نخواهند کرد و البته ستمگران
یاور یکدیگرند و خداوند یار افراد با تقواست.

﴿۲۰﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این (کتاب) برای مردم، وسیله‌ی بصیرت و هدایت و برای اهل یقین، مایه‌ی
رحمت است.

نکته‌ها:

- خداوند بصیر است. ﴿كان الله بما تعملون بصيرا﴾^(۱) رسول خدا نیز بصیر است. ﴿ادعوا الى الله على بصيرة﴾^(۲) قرآن نیز کتاب بصیرت است. ﴿هذا بصائر﴾
- شاید معنای آیه با توجه به آیه‌ی قبل چنین باشد: ای پیامبر! پیرو شریعتی باش که از طرف خداست و از هوسهای جاهلان پیروی نکن. زیرا در برابر شریعت و قانون و وحی الهی، جاهلان طرح و برنامه‌ای که بتواند تو را از قانون و راه خدا بی‌نیاز کند ندارند.

پیام‌ها:

- ۱- پیروی از مردم ناآگاه هیچ خطری را به هنگام قهر خداوند دور نخواهد کرد. (انگیزه‌ی پیروی از خواسته‌های مردم، چشم داشتن به حمایت آنان در مشکلات است که قرآن این خیال را از ریشه می‌خشکاند.) ﴿اِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا﴾
- ۲- سنجیت افراد نسبت به یکدیگر، وسیله‌ی جذب آنان به یکدیگر است. ﴿الظالمين بعضهم اولياء بعض﴾
- ۳- پیروی از هوسهای جاهلان به منزله‌ی پذیرش ولایت آنان و در مدار ظالمان

۱. احزاب، ۹.

۲. یوسف، ۱۰۸.

قرار گرفتن است. ﴿لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ... وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾
 ۴- از هوس‌های مردم دوری کن و نگران تنهایی نباش. ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾
 ۵- تقوا سبب دریافت امدادها و حمایت‌های الهی است. ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾
 ۶- از نشانه‌های تقوا دوری از هوس‌های مردم است. ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾
 ۷- اهل تقوا، از ظلم و ظلم‌پذیری دورند. ﴿وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾

۸- دینداری باید بر اساس بصیرت باشد. ﴿هَذَا بَصَائِرُ﴾
 ۹- قرآن در تمام زمینه‌های فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... وسیله بصیرت است. («بصائر» به صورت جمع آمده است)
 ۱۰- بسیاری از مطالب را فقط از راه وحی می‌توان شناخت و عقل و تجربه به آن راه ندارد. ﴿هَذَا بَصَائِرُ﴾
 ۱۱- بصیرت آفرینی قرآن برای همه‌ی مردم است. «بصائر للناس» گرچه بهره‌گیری از آن بصیرت فقط برای اهل یقین است. ﴿هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾
 ۱۲- قرآن یک کتاب جامع است. (هم راه حق را نشان می‌دهد، «بصائر» هم انسان را به سوی آن می‌برد، «هُدًى» و هم انسان را با آن کامیاب می‌کند. «رَحْمَةً»)

﴿۲۱﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شدند گمان کردند که ما آنان را همچون کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند قرار خواهیم داد و حیات و مرگشان یکسان است؟ چه بد داوری می‌کنند.

نکته‌ها:

□ «اجتراح» از «جرح» به معنای آسیبی است که بر بدن وارد می‌شود. از آنجا که گناه روح انسان را جریحه‌دار می‌کند، درباره‌ی کسانی که خلافکارند، «اجترحوا» بکار رفته است.

□ در قرآن، استفاده از روش مقایسه زیاد به چشم می‌خورد از جمله:
 آیا مؤمن با فاسق یکسان است. ﴿أَفَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا﴾^(۱)
 آیا عالم با جاهل یکسان است. ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۲)
 آیا کسانی که قبل از فتح مکه و در زمان غربت برای اسلام خرج کردند با کسانی که بعد از
 فتح مکه کمک مالی کردند یکسانند. ﴿لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَن أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَ...﴾^(۳)
 در این آیه نیز می‌خوانیم: آیا خلافکاران با مؤمنان نیکوکار یکسانند. ﴿الَّذِينَ اجْتَرَحُوا
 السَّيِّئَاتِ... كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

مؤمن و کافر

□ در مقایسه‌ی میان مؤمن و کافر می‌بینیم که مؤمن با یاد خدا آرام، به داده خدا راضی، به
 آینده امیدوار، راهش روشن و مرگ را کوچ کردن به منزلی بزرگتر می‌داند ولی کافر هر روز
 به گرد طاغوتی می‌چرخد و هر لحظه محکوم هوس‌های خود یا دیگران است، آینده را
 تاریک و مرگ را فنا می‌داند.
 لذا قرآن برای روشنگری هر چه بیشتر روش مقایسه را مطرح می‌کند، تا تمام وجدان‌ها در
 هر سطحی مسئله را درک کنند:
 مؤمنان ایمانشان زیاد می‌شود، ﴿زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾^(۴) ولی کفار کفرشان بیشتر می‌شود. ﴿و
 زَادُوا كُفْرًا﴾^(۵)
 سرپرست مؤمن خداست، ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ولی سرپرست دیگران طاغوت‌ها
 هستند. ﴿أُولِيَاءُهمُ الطَّاغُوتُ﴾^(۶)
 خداوند بر دل مؤمن آرامش نازل می‌کند، ﴿أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۷) ولی بر دل
 کفار ترس و وحشت می‌افکند. ﴿سَنَلِقُوا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ﴾^(۸)
 افراد با ایمان پیرو حق هستند، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ﴾ ولی کفار پیرو باطلند. ﴿الَّذِينَ

۱. سجده، ۱۸. ۲. زمر، ۹. ۳. حدید، ۱۰.
 ۴. انفال، ۲. ۵. آل عمران، ۹۰. ۶. بقره، ۲۵۷.
 ۷. فتح، ۴. ۸. انفال، ۱۲.

كفروا اتبعوا الباطل ﴿١﴾

آینده مؤمن محبوبیت است، ﴿سيجعل لهم الرحمن ودا﴾^(۲) ولی آینده کافر حقارت و ذلت است. ﴿ترهقهم ذلة﴾^(۳)

اهل ایمان به هنگام جان دادن سلام فرشتگان را دریافت می کنند، ﴿تتوفاهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم﴾^(۴) ولی ستمگران با قهر فرشتگان روبرو می شوند. ﴿تتوفاهم الملائكة ظالمی انفسهم﴾^(۵)

جهاد اهل ایمان در راه خداست، ﴿يقاتلون في سبيل الله﴾ ولی جنگ و ستیز کفار در راه طاغوت است. ﴿يقاتلون في سبيل الطاغوت﴾^(۶)

پاداش اهل ایمان محفوظ است، ﴿لا نضيع اجر من احسن عملا﴾^(۷) ولی تلاش دیگران محو می شود. ﴿حبطت اعمالهم﴾^(۸)

مؤمن امکانات و دارایی خود را از خدا می داند، ﴿هذا من فضل ربي﴾^(۹) ولی کافر هرچه دارد از علم و هنر و تلاش خود می پندارد. ﴿انما اوتيته على علم عندي﴾^(۱۰)

کارهای مؤمن پایدار است، ﴿فلن يضل اعمالهم﴾^(۱۱) ولی کارهای کفار از بین می رود. ﴿اضل اعمالهم﴾^(۱۲)

مؤمن از هیچ کس نمی ترسد، ﴿لا يخشون احدا﴾^(۱۳) ولی دیگران ترس دارند. ﴿يخشون الناس كخشية الله﴾^(۱۴)

بر اهل ایمان فرشته نازل می شود، ﴿تنزل عليهم الملائكة﴾^(۱۵) ولی بر دیگران شیاطین. ﴿تنزل الشياطين﴾^(۱۶)

۱. محمد، ۳.	۲. مریم، ۹۶.	۳. یونس، ۲۷.
۴. نحل، ۳۲.	۵. نحل، ۲۸.	۶. نساء، ۷۶.
۷. کهف، ۳۰.	۸. بقره، ۲۱۷.	۹. نمل، ۴۰.
۱۰. قصص، ۷۸.	۱۱. محمد، ۴.	۱۲. محمد، ۱.
۱۳. احزاب، ۳۹.	۱۴. نساء، ۷۷.	۱۵. فصلت، ۳۰.
۱۶. شعراء، ۲۲۱.		

اهل ایمان امیدوارند، ﴿بیشتر المؤمنین﴾^(۱) ولی کفار مأیوسند. ﴿اذا هم یقنطون﴾^(۲) و در یک کلام راه حق، راه برترین است، ﴿کلمة الله هی العلیا﴾ و راه کفر پست‌ترین است. ﴿کلمة الذین کفروا السفلی﴾^(۳)

آیا با این همه تابلوهایی شفاف قرآنی، جایی برای شک و تردید باقی می‌ماند؟ آری، در دین هیچ شکّی نیست، ﴿لاریب فیہ﴾^(۴) اما آنان در خود وسوسه ایجاد می‌کنند. ﴿فی ربهم یترددون﴾^(۵)

پیام‌ها:

- ۱- خداوند عادل است و در نزد او بدکار و نیکوکار یکسان نیستند. ﴿ام حسب...﴾
- ۲- ریشه‌ی بسیاری از انحرافات، پندارهای موهوم است. ﴿ام حسب الذین...﴾
- ۳- گناه، خطر است ولی بیشترین خطر برای کسانی است که به سراغ گناه می‌روند. ﴿اجترحوا السیئات﴾ (در کلمه «اجترح» طلب و خواستن نهفته است)
- ۴- خلافکاران نیز در فطرت خویش مایلند که هم ردیف نیکوکاران باشند. ﴿ام حسب الذین اجترحوا السیئات...﴾
- ۵- هم ایمان و عمل صالح و هم گناه در زندگی و مرگ انسان‌ها نقش دارند. ﴿سواء محیاهم و مماتهم﴾
- ۶- داوری بر اساس خیال و پندار محکوم است. ﴿ام حسب... ساء ما یحکمون﴾

﴿۲۲﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید تا هر کس به موجب آنچه کسب نموده است پاداش داده شود و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.

۳. توبه، ۴۰.

۲. روم، ۳۶.

۱. اسراء، ۹.

۵. توبه، ۴۵.

۴. بقره، ۲.

نکته‌ها:

□ این آیه به منزله‌ی دلیل آیه قبل است؛ در آیه قبل خواندیم که خلافکاران گمان می‌کنند که ما آنان را مثل مؤمنان قرار می‌دهیم. این آیه آن را خیال باطلی دانسته و می‌فرماید: مگر نمی‌دانند آسمان‌ها و زمین بر اساس حقّ آفریده شده و در یک نظام حقّ، خوبان و بدان یکسان نیستند.

آری، لازمه‌ی حقّ بودن خلقت، عدالت در مجازات است.

□ حقّ به چیزی گویند که بر اساس حکمت و منطق باشد. خلقت بر اساس حقّ، یعنی آفرینش بر اساس برنامه و هدف.

□ دلیل معاد حکمت و عدل الهی است که در این آیه به هر دو اشاره شده است.

اما حکمت: اگر انسان با مرگ به نیستی رود، آفرینش بیهوده خواهد بود در حالی که آفرینش بر اساس حقّ و حکیمانه و هدفدار است، کدام کوزه‌گر حاضر است کوزه‌هایش را پس از ساختن بیهوده بشکند و مگر می‌شود آفرینش با مرگ محو شود؟
اما عدالت: کیفر هر کس بدون آنکه به او ظلم شود داده می‌شود. آری، اگر کیفر داده نشود و یا بیش از حد داده شود، ظلم است.

پیام‌ها:

۱- نظام هستی بر اساس حقّ بنا شده است، بنابراین با انسان هم بر طبق حقّ رفتار می‌شود. ﴿خلق... بالحق... لتجزی﴾

۲- برپایی قیامت و کیفر و پاداش عادلانه، لازمه‌ی آفرینش است. (حرف «واو» در «و لتجزی» نشانه آن است که آفرینش، اهدافی را دنبال می‌کند که یکی از آنها کیفر و پاداش است.)

۳- نظام دنیا و آخرت، بر اساس حقّ و عدل است. ﴿خلق... بالحق... و لتجزی... و هم لا یظلمون﴾

۴- مبنای جزا، عمل است، نه أمل و آرزو. ﴿لتجزی... بما کسبت﴾

﴿۲۳﴾ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

پس آیا دیدی کسی را که هوای خویش را معبود خود قرار داده و خداوند او را با وجود آگاهی به بیراهه گذاشت و بر گوش و قلبش مهر زد و بر چشمش پرده‌ای نهاد. پس بعد از خدا کیست که او را هدایت کند، پس آیا پند نمی‌گیرید؟

نکته‌ها:

- قرآن درباره‌ی دو گروه تعبیر «ختم الله» آورده است: یکی کفار که می‌فرماید: «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم»^(۱) و دیگری هواپرستان که می‌فرماید: «ختم الله علی سمعه و قلبه» □ مراد از هوی پرستی نادیده گرفتن وظیفه و پیروی از غریزه است.
- هوی پرستی ابزار شناخت را از کار می‌اندازد، نه چشم حقیقت را می‌بیند و نه گوش حق را می‌شنود و نه دل درک صحیح دارد.
- یکی از عوامل هوی پرستی، گرایش به مادیات است. چنانکه در جای دیگر می‌خوانیم: «إخلد الی الارض و اتبع هواه»^(۲)
- هوا پرستی اساس محنت‌هاست: «الهُوی اسّ المحن»^(۳) هوسها مرکب فتنه‌هاست. «انما بدء و قوع الفتن اهواء تتبع»^(۴) سرچشمه‌ی فتنه‌ها، پیروی از هوس‌هاست.
- هوی پرستی مانع عدالت است. «فلا تتبع الهوی ان تعدلوا»^(۵)
- سبب انحراف از راه خداست. «ولا تتبع الهوی فیضلك عن سبیل الله»^(۶)
- سبب سقوط انسان است. «واتبع هواه فتردی»^(۷)
- و در این آیه می‌خوانیم که هوی پرستی سبب مهر خوردن بر گوش و دل است. «اتخذ الله

۱. بقره، ۷. ۲. اعراف، ۱۷۶. ۳. غررالحکم. ۴. کافی، ج ۱، ص ۵۴. ۵. نساء، ۱۳۵. ۶. ص، ۲۶. ۷. طه، ۱۶.

هواه... و ختم علی سمعه و قلبه ﴿

پیام‌ها:

- ۱- هوی پرستی نوعی شرک و هوی پرست سزاوار توبیخ است. ﴿أَفْرَايْتُمْ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾
- ۲- با اینکه هوس‌ها در درون است ولی بازتاب هوا پرستی در اعمال انسان هویدا است. ﴿أَفْرَايْتُمْ﴾
- ۳- انسان ذاتاً موجودی پرستش‌گر است اما در انتخاب معبود منحرف می‌شود و به جای خدا به سراغ هوس‌ها می‌رود. ﴿اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾
- ۴- کیفر کسی که خدا را رها کرده و به دنبال تمایلات نفسانی خود باشد آن است که خداوند او را گمراه نماید. ﴿اضَلَّهُ اللَّهُ﴾
- ۵- اگر هوی پرستی حاکم شد، علم از کارآیی می‌افتد. هوا پرستی حتی دانشمندان را منحرف می‌کند. ﴿وَ اضَلَّهُ اللَّهُ عَلٰی عِلْمٍ﴾
- ۶- گمراهی و کوردلی، کیفر الهی برای هوی پرستان است. ﴿اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... اضَلَّهُ اللَّهُ... ختم علی سمعه و قلبه﴾
- ۷- هوی پرستی، سبب مسدود شدن درهای هدایت به روی انسان است. ﴿مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ... فَمَنْ يَهْدِيهِ﴾
- ۸- جز هدایت الهی، هر راهی به ضلالت می‌انجامد. ﴿فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ﴾

﴿۲۴﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا

الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

و گفتند: جز همین زندگی دنیایی، زندگی دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم (یک گروه می‌رویم و یک گروه می‌آییم) و ما را چیزی جز طبیعت و روزگار نابود نمی‌کند، در حالی که هیچ‌گونه علمی بر این ادعا ندارند. آنان جز گروهی خیالباف نیستند.

نکته‌ها:

□ «دهر» به معنای گذر زمان دنیا است، گویا مادیون معتقدند که گذر عمر، مایه‌ی مرگ و هلاکت انسان است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- هوی پرستی، چنان چشم و دل انسان را کور می‌کند که قیامت را منکر می‌شود و زندگی را در حیات کوتاه دنیا محصور می‌داند. ﴿اتَّخَذَ اللَّهُ هَوَاهُ... حَيَاتِنَا الدُّنْيَا﴾
- ۲- منکران معاد برای انکار خود، منطق و علم ندارند. ﴿مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ﴾
- ۳- در عقاید، پندار و گمان بی‌ارزش است، عقاید باید بر اساس علم باشد. ﴿إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾

﴿۲۵﴾ وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّتُوا

بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و هرگاه آیات روشن ما (درباره معاد) بر آنان تلاوت گردد، دلیل و حجتی ندارند، مگر آنکه گویند: اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید.

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُ يُخَيِّبُكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ

فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

بگو: خداست که شما را زنده می‌کند و سپس می‌میراند و آنگاه برای روز قیامتی که شکی در آن نیست همه را جمع می‌نماید ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

نکته‌ها:

□ نظام آفرینش برنامه و قانونی دارد که خداوند حکیم آن را بر هستی حاکم ساخته و نفی آن نشانه‌ی جهل و نادانی است.

۱. مفردات راغب.

پیام‌ها:

- ۱- آیات قرآن، روشن و روشن‌گر است. ﴿آیاتنا بیّنات﴾
- ۲- کافران، به جای اندیشه در آیات خدا، آبا و اجداد خود را طلب می‌کنند. ﴿تتلی علیهم آیاتنا... اتتونا بآیاتنا﴾
- ۳- هرگاه سخن منکران را نقل کردید، پاسخ آن را هم بیان کنید. ﴿و ما یهلکنا الا الدهر... قل الله یحییکم﴾
- ۴- نشانه‌های قدرت و حکمت و عدالت خداوند، به قدری روشن و بین است که دلیلی برای شک در قیامت باقی نمی‌گذارد. ﴿لا ریب فیہ﴾
- ۵- حیات نخستین آدمیان، نشان امکان قیامت است. ﴿یحییکم... ثم یمیتکم﴾
- ۶- تقاضای زنده کردن نیاکان در دنیا بر اساس جهل و ناآگاهی است. ﴿اکثر الناس لا یعلمون﴾
- ۷- تردید در معاد، برخاسته از جهل انسان است. ﴿اکثر الناس لا یعلمون﴾

﴿ ۲۷ ﴾ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یَوْمَئِذٍ
 یَحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

حکومت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز یاره سرایان زیانکارند.

پیام‌ها:

- ۱- زنده کردن و میراندن برای خداوند آسان است، زیرا هستی به دست اوست. ﴿یحییکم... یمیتکم... لله ملک السموات...﴾
- ۲- زیان‌های دنیوی ناچیز است، خسارت روز قیامت مهم است. ﴿یوم تقوم الساعة یومئذ یحسر المبطون﴾
- ۳- آنان که قیامت را باطل می‌شمردند، در قیامت زیانکارند. ﴿یومئذ یحسر المبطون﴾

﴿۲۸﴾ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(در روز رستاخیز) هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی، در حالی که هر امتی به سوی کتابش (برای دادرسی) فراخوانده شده است. امروز آنچه را عمل می‌کردید دریافت خواهید کرد.

نکته‌ها:

- «جاثیه» به معنای نشستن روی زانو، به هنگام ترس و وحشت یا فروتنی و تسلیم است.
- قرآن برای انسان در قیامت سه نوع کتاب معرفی کرده است: ^(۱)
- الف) برای هر فرد کتابی است که کارهای شخصی او در آن ثبت است. ﴿وَكُلُّ انْصَانٍ لِّزْمَانِهِ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا﴾ ^(۲) ما عمل هر انسانی را به گردش می‌آویزیم و روز قیامت آن را به صورت کتابی در برابرش می‌گشاییم و به او خطاب می‌شود کتاب خود را بخوان. ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ﴾ ^(۳)
- ب) برای هر امتی نیز کتابی است که امور اجتماعی در آن ثبت است، چنانکه در این آیه می‌فرماید: ﴿كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا﴾
- ج) تمام امت‌ها نیز یک کتاب دارند که همه چیز و همه کس در آن ثبت است. ﴿وَوَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَىٰ الْمُجْرِمِينَ مَشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ﴾ ^(۴)

پیام‌ها:

- ۱- هول و هراس قیامت همه را زمین‌گیر می‌کند. ﴿كُلُّ أُمَّةٍ جَاثِيَةٌ﴾
- ۲- معاد جسمانی است. ﴿جَاثِيَةٌ﴾
- ۳- نظام هستی حساب و کتاب و ثبت و ضبط دارد و کار قیامت بر اساس پرونده

۲. اسراء، ۱۳.

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۴. كهف، ۴۹.

۳. اسراء، ۱۴.

و گواه است. ﴿تدعی الی کتابها﴾

۴- جزای هر شخصی در قیامت، بر اساس عملکرد او در دنیا است. ﴿الیوم تجزون ما کنتم تعملون﴾

﴿ ۲۹ ﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

این است کتاب ما که به حقّ درباره شما سخن می‌گوید، همانا ما آنچه را انجام می‌دادید نسخه برداری و ثبت می‌کردیم.

نکته‌ها:

□ رسول اکرم ﷺ فرمود: هنگامی که انسان در قلب خود خدا را یاد کند، خداوند آن را در کتابی ثبت می‌کند و به فرشتگان یادآوری می‌کند. آنان می‌گویند: ما خبر نداریم. خداوند می‌فرماید: من یاد قلبی او را هم ثبت می‌کنم.^(۱)

در دعای کمیل نیز می‌خوانیم: «و الشاهد لما خفی عنهم» پروردگارا! تو بر آنچه از فرشتگان مخفی است آگاهی.

پیام‌ها:

- ۱- در قیامت چیزی پشت پرده نیست، همه چیز حاضر است. ﴿هذا﴾
- ۲- در قیامت همه چیز مکتوب است. ﴿کتاب﴾
- ۳- پرونده اعمال انسان، دقیق و مطابق با واقع و بی‌نیاز از شرح و تفسیر است. ﴿ینطق علیکم بالحق﴾
- ۴- دلیل دقت و حقایق کتاب اعمال انسان آن است که خداوند خود ثبت کرده است. ﴿إنا کنا نستنسخ﴾
- ۵- ایمان به ثبت دقیق اعمال می‌تواند بهترین بازدارنده انسان از خلافکاری

۱. تفسیر برهان.

باشد. ﴿کنانستسخ﴾

۶- عمل انسان، همان گونه که واقع شده ثبت می شود، نه بر اساس قرائن و شواهد و آثار. ﴿عماکنتم تعملون﴾

﴿۳۰﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ
ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پروردگارشان آنان را در رحمت خویش داخل می‌کند، این است آن رستگاری آشکار.

﴿۳۱﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ
وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

و اما کسانی که کفر ورزیدند (به آنان گفته می‌شود) مگر آیات من بر شما خوانده نشد، پس استکبار ورزیدید و گروهی مجرم بودید.

نکته‌ها:

- «فوز» به معنای پیروزی و دست‌یابی به خیر همراه با سلامت و رسیدن به آرزو است. کلمه‌ی «فوز» در قرآن، همراه با کلمات «مبین»، «عظیم» و «کبیر» آمده است.
- در این آیه به جای «یدخلون فی الجنة» فرمود: «یدخلهم ربهم فی رحمته» یعنی اهل ایمان و عمل در مدار لطف و رحمت خاص الهی هستند.
- در کنار ایمان، عمل صالح مطرح است ولی در کنار کفر، کار خیری نیست.
- در زبان عربی، کلمات جمع اگر با الف و لام بیاید، به معنای تمام افراد است. مانند کلمه «مساجد» که به معنای مسجدها می‌باشد، ولی کلمه‌ی «المساجد» به معنای تمام مسجدها است. معمولاً در قرآن در کنار ایمان، سخن از عمل صالح است، آن هم در قالب «الصالحات» یعنی تمام کارهای مؤمن باید نیک باشد.

پیام‌ها:

- ۱- رستگار کسی است که همراه ایمان، عمل صالح داشته باشد و عمل صالح او گسترده و جامع باشد. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۲- دریافت رحمت الهی بدون ایمان و عمل صالح ممکن نیست. ﴿فَمَا آتَى الَّذِينَ آمَنُوا... فِي رَحْمَتِهِ﴾
- ۳- کیفر و پاداش از شئون ربوبیت است. ﴿يَدْخُلُهُم رَّبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ﴾
- ۴- بهشت و نعمت‌های آن جلوه‌ای از رحمت الهی است. ﴿يَدْخُلُهُم رَّبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ﴾
- ۵- رستگار کسی است که خوش عاقبت باشد. ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ﴾
- ۶- انسان به طور طبیعی خواهان رستگاری است، این قرآن است که رستگاری حقیقی انسان را نشان می‌دهد. ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾
- ۷- ریشه کفر تکبر است. ﴿كُفِرُوا... اسْتَكْبَرْتُمْ﴾
- ۸- استکبار فوری نشانه لجاجت است. ﴿تَتَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ﴾
- ۹- ریشه‌ی جرم و گناه، کفر و تکبر است. ﴿كُفِرُوا... اسْتَكْبَرْتُمْ... مجرمین﴾

﴿۳۲﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ

و هرگاه گفته شد که وعده الهی حق است و در قیامتی که (در پیش است) شکی نیست، گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست، ما آن را جز گمانی نمی‌پنداریم و ما به سراغ باور کردن آن نیستیم.

﴿۳۳﴾ وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

و بدی‌های اعمالشان برایشان روشن شد و آنچه را به مسخره می‌گرفتند، فراگیرشان شد.

﴿۳۴﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَاؤَاكُمُ
النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

و به آنان گفته شود: امروز ما شما را به فراموشی می سپاریم، همان گونه که شما دیدار امروزتان را به فراموشی سپردید، جایگاه شما آتش است و برای شما هیچ یابوری نیست.

نکته‌ها:

- نشانه‌ی کافر، تشکیک و نشانه‌ی مؤمن، سؤال، پیگیری و به یقین رسیدن است.
- گاهی یک خلاف کوچک، زیان‌های بسیاری دارد. مثلاً شخصی با خاموش کردن چراغ یک سالن، در ظاهر یک عمل خلاف انجام می‌دهد، ولی این عمل، سیئاتی را به دنبال دارد، افرادی در اثر تاریکی دچار ترس و وحشت می‌شوند، افرادی کفش و لباس خویش را گم می‌کنند، گروهی دیگران را پایمال می‌کنند، افرادی به ستون‌ها می‌خورند. چه بسا در تاریکی سرقت‌ها و منکرات دیگری انجام گیرد، تمام این امور، آثار و عوارض سوء یک عمل است، لذا در قیامت به حساب همه عوارض گناه رسیدگی می‌شود.
- مراد از فراموش کردن خداوند آن است که در قیامت با افراد غافل از قیامت، همچون افراد فراموش شده برخورد می‌شود و خداوند آنان را به حال خود وامی‌گذارد و گرنه خداوند هرگز هیچ کس و هیچ چیز را فراموش نمی‌کند. ﴿و ما کان ربّک نسیاً﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- قیامت، روز بروز و ظهورِ امور پنهان است. ﴿و یداهم﴾
- ۲- در قیامت علاوه بر اعمال، عوارض و آثار و مفاصلی که بر اعمال بار است دامنگیر انسان می‌شود. ﴿سیئات ما عملوا﴾
- ۳- کیفر الهی، متناسب با رفتار آدمی است. همان چیزی که مسخره می‌کردند

- دامنشان را می‌گیرد. ﴿حاق بهم ما كانوا به يستهزؤن﴾
 ۴- استهزا، شیوه‌ی مستکبران است. ﴿استکبرتم... كانوا يستهزؤن﴾
 ۵- هر کس معاد را فراموش کند، در قیامت فراموش می‌شود. ﴿نساکم كما نسیتم﴾
 ۶- ایمان به معاد کافی نیست، یاد معاد لازم است. ﴿نسیتم لقاء یومکم﴾

﴿۳۵﴾ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَعَزَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
 فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

این به خاطر آن است که شما آیات خدا را مسخره گرفتید و زندگی دنیا
 مغرورتان کرد. پس امروز نه از آتش دوزخ خارج می‌شوند و نه از آنان
 خواسته می‌شود که رضایت خدا را بخواهند.

نکته‌ها:

- «استعتاب» به معنای درخواست چیزی است که رنج و غم را برطرف کند، نظیر
 عذرخواهی.
 □ در این چند آیه‌ای که گذشت جلوه‌ای از دادگاه قیامت ترسیم شده است:
 ۱. همه در قیامت جمع می‌شوند. ﴿یجمعکم﴾
 ۲. باطل‌گرایان در آن روز خسارت خود را می‌بینند. ﴿یخسر المیطلون﴾
 ۳. هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود. ﴿کلّ امة تدعی الی کتابها﴾
 ۴. کتاب، گواه بر رفتار است. ﴿هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق﴾
 ۵. مردم دو دسته شده، گروهی در رحمت و گروهی اهل دوزخند.
 ۶. به دوزخیان دلایل کیفر تفهیم می‌شود. ﴿استکبرتم... اجترحوا السیئات﴾
 ۷. کیفر متناسب با جرم است. ﴿نساکم كما نسیتم لقاء یومکم هذا﴾
 ۸. عوارض و آثار سوء گناهان دامنگیر می‌شود و راه خروج و عذرخواهی بسته است.
 □ مهم‌ترین عامل بدبختی، مغرور شدن به دنیا و تمسخر و تشکیک است.

پیام‌ها:

- ۱- دلیل کیفر را به مجرم بگویید. ﴿ذَلِكُمْ بَانَكُمْ...﴾
- ۲- به زندگی دنیا، دلشاد و مغرور و سرمست شدن، انسان را به استهزای حقایق می‌کشاند. ﴿اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا﴾
- ۳- از دنیا انتقاد نشده، بلکه از مغرور شدن به آن انتقاد شده است. ﴿غَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾
- ۴- برای کسانی که مکتب آسمانی را تحقیر و استهزا کنند نه راه نجات است و نه راه عذرخواهی و عذرپذیری. ﴿لَا يَخْرُجُونَ... لَا يَسْتَعْتَبُونَ﴾

﴿۳۶﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس سپاس و ستایش مخصوص خداوند است، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان.

﴿۳۷﴾ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و بزرگی در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست و اوست خدای عزیز و حکیم.

نکته‌ها:

□ در آغاز سوره که سخن از نزول قرآن و نعمت‌ها بود، خداوند، عزیز و حکیم معرفی شده بود، ﴿تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ و در پایان نیز که سخن از کیفر مسخره‌کنندگان است، تعبیر عزیز و حکیم آمده است. شاید اشاره به این باشد که نعمت‌ها، کیفرها، مهرها و قهرها همه برخاسته از قدرت و حکمت الهی است.

پیام‌ها:

- ۱- تنها خداوند، شایسته‌ی بزرگی و حمد و ستایش است. ﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ﴾
- ۲- پروردگار آسمان‌ها و زمین و همه هستی، همان خدای یکتاست. ﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ... رَبِّ... رَبِّ﴾

- ۳- آسمانها و زمین و همه چیز تحت تربیت الهی و رو به رشد است. ﴿ربّ السموات...﴾
- ۴- عزّت و قدرت خداوند همراه با حکمت و کاردانی اوست. ﴿العزیز الحکیم﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»